

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱) پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۷۰۵-۲۶۸۰

### سیر تحولات زندان‌ها در جهان باستان با تکیه بر صدر اسلام (تا پایان دوره اموی)

حسین برشان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

ابراهیم خراسانی پاریزی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

ایرج جلالی<sup>۳</sup>

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر سیر تحولات زندان‌ها در جهان باستان با تکیه بر صدر اسلام (تا پایان دوره اموی) است. روش پژوهش در این تحقیق توصیفی تحلیلی است. یافته‌های نشان می‌دهد. اولین زندان در جهان باستان به شهر رم اختصاص داده شده است. در این دوران سلولوس (شیوه مجازات)، لاتومیا (بخشی از یک زندان بزرگ) و تولیانوم (زندان) وجود داشت. بعداً در سال ۳۶۷ میلادی نخستین نظامنامه و مجمع القوانین توسط ژوستینیان تدوین گردید که قوانین جنایی آن، مورد توجه امپراتوران بعدی قرار گرفت. در شرق باستان هم در مصر، بین النهرین و ایران زندان‌های وجود داشته است. در عربستان تا قبل از اسلام اعراب، طبق رسوم جاری و عرف ثار عمل می‌کردند. اما با ظهور اسلام کار زندانی کردن در مسجد یا دهلیز صورت گرفت. از زمان خلیفه عمر نیاز به یک ساختمان مستقل برای زندان احساس شد وی زندان عارم را ایجاد کرد. احداث دو زندان نافع (از نی) و مخیس (سنگ) در کوفه توسط امام علی (ع) بوده است. همچنین علی (ع) اولین نفری بود که در راستای حمایت از زندانیان برای زندان هزینه‌ها و برای اسرا از بیت المال مسلمین حقوق اختصاص داد. در دوره اموی زندان‌ها گسترش یافتند، و کم‌کم زندانهای متعدد به اسم شهری که در آن واقع شده بود بنا گردید زندان باب الصغیر (دمشق)، زندان خضراء (دمشق)، در دوره معاویه ساخته شدند. معاویه نخستین کسی بود که برای زندانها شیوه و روشی ثابت پایه‌گذاری کرد و نظام زندانبانی را ایجاد کرد. در دوره اموی دوم (مروانیان) زندان‌های توام با شکنجه جایگاه وسیع و مهمی در حکومت پیدا نمودند. و به قتل و ضرب و حبس مخالفین (نظیر ائمه) در زندانها رواج یافت. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، مسائل شرعی در میان زندانیان رواج یافت. و زندانیان را به نسبت جرمشان تفکیک نمود.

کلید واژه‌ها: زندان، صدر اسلام، دوره اموی، تحولات

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

زندان یا در فارسی افغانستان بندی‌خانه مکانی است که اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و توقیف و معمولاً از آزادی‌های شخصی محروم می‌شوند. زندان‌ها به‌طور قراردادی، سازمان‌هایی هستند که بخشی از نظام قضائی یک کشور محسوب می‌شوند و به منظور اجرای کیفر حبس، به‌عنوان یک مجازات قانونی که به صورت حکم از سوی دادگاه صادر شده‌است، به دلیل ارتکاب جرم بکار می‌روند شناخته شده‌ترین نوع زندان، زندانهای کشورهای اسلامی است. (انوشه، ۱۳۹۱: ۳۴۵)

دین مبین اسلام که آخرین دین الهی و مجموعه ای کامل از قوانین الهی برای بشر است، مجموعه ای از بایدها و نبایدها برای هدایت و ارشاد انسانهاست، و لذا دستوراتی که در آن آمده است همگی برای رسانیدن انسان و جامعه به سعادت و کمال است، پدیده زندان در جهان اسلام از پیشینه بس طولانی برخوردار است و در هر دوره از حکومت های اسلامی افراد را به دلایل مختلف و بر اساس نوع مجازات هایی که برای آنان در نظر می گرفتند، یعنی شکنجه، دور کردن از اجتماع و کشتن تدریجی، زندانی می کردند و گاه زندانی کردن افراد جنبه انتقام جویی داشت. زندان وسیله ای برای سلب آزادی افراد بود و توجه به بهبود و اصلاح اخلاقی مجرمان مد نظر نبود. لذا زندان ها در تمدن اسلام از تحولات متفاوتی برخوردار بودند. بسیاری از فقهای مسلمان نظیر مالک بن انس، مرداوی، محقق حلّی، شهیدین، صاحب جواهر، قاضی ابن براج و... در این مورد فتوا داده‌اند. و گاه برخی از آنان از زندان را نوعی دانشگاه جرم می دانستند.

ساختار فیزیکی زندان ها بستگی به موقعیت جغرافیایی و حکومتی متفاوت بود. زندانها از سیاهچال ها و حفره های تنگ و تاریک و مرطوب زیر زمینی تا اتاق های متروکه دارالحکومه ها و یا قلعه هایی که در نقاط مرزی و بد آب و هوا قرار داشتند، متفاوت بود.

با توجه به اینکه درباره تحولات و ساختار زندان ها در تمدن اسلام، داده های پراکنده اما ارزشمندی در منابع متعدد موجود است و با توجه به اینکه تاکنون پژوهش منسجمی در این زمینه صورت نگرفته، این پژوهش درصدد است به موشکافی تحولات و ساختار زندان ها در تمدن اسلام بپردازد.

## مروری بر مطالعات پیشین

### کتاب داخلی:

در پژوهش های داخلی، گودرزی بروجردی و مقدادی (۱۳۹۴)، به مطالعه تاریخی و سیر کیفر حبس در ایران، به ویژه از سال ۱۳۰۴ش. می پردازند و با ارائه نقل قول های مستقیم گوشه ای از وضعیت زندان و زندانیان در دوره های متعدد را بیان کرده اند. هومن، (۱۳۳۹). از منظر تاریخی به موضوع زندان ها نپرداخته، اما دربردارنده نکات ارزشمندی درباره کیفرها، جرائم و سیستم زندان ها است .

مولفی دیگر در کتاب ورق‌پاره‌های زندان بزرگ علوی (بی جا) نشان می‌دهد زندان یکی از مکان‌های تلخ و تاریک دنیا است که به افکار فرصت هجوم می‌دهد. آبروی، (۱۳۸۷) سعی کرده است که با استفاده از منابع معتبر تاریخی به زندگی و سیره ی این امام و دوران اسارت وی در زندان بپردازد. ابونیا (۱۳۸۵) گوشه کوچکی از ساختار و کارکرد زندان و نحوه نگهداری زندانیان را روشن می‌کند. مداح پور، (۱۳۸۶)، به بررسی زندان‌ها در دوره اسلامی پرداخته است. حمید (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که در گذشته مجازات‌ها صورت‌های خشن تری در مقایسه با حال داشتند. خزایی، (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که زندان در زمره نهادهایی است که از روزگاران گذشته و به اشکال مختلف وجود داشته است. مهدی پور و دیگران، (۱۳۹۷). به بحث و بررسی در مورد جایگزین‌های حبس پرداخته شده است. نجف زاده (۱۳۹۶) مشروعیت داشتن یا نداشتن زندان در فقه امامیه و فقه اهل سنت را بررسی کرده است.

در پژوهش‌های خارجی، نورال موریس داوید جی روتمن (بی تا) گفته اند تاریخ حبس، با دگرگونی‌های شگفت‌آوری همراه بوده است، و زندان‌ها با اصول نظم و انضباط شکل گرفتند. چارلز جیمز ویلس، (۱۳۶۸). به مجازات‌ها، نیروی پلیس در ایران و نحوه محاکمه‌ها پرداخته است. نجم‌الدین طبسی، (۱۳۳۹) در دو بخش به زندان و تبعید در اسلام پرداخته است. از همین نویسندگان کتاب موارد السجن فی النصوص و الفتاوی (۱۳۷۴)، از منظر فقهی و روایی به بررسی جرایمی که مجازات آنها زندان بوده و نوع رفتار دولت اسلامی با زندانیان و رعایت حقوق انسانی آنها پرداخته و ابعاد این مسأله را مورد پژوهش قرار داده است. بلبول (۲۰۰۹) به توصیف زندان و شناسایی مکان مهم ترین زندان‌های اندلس و همچنین دلایل حبس و انگیزه‌های آن می‌پردازد. یوسف الرفاعی (۲۰۰۸)، در پژوهش خود به موضوع زندان‌های مصر در عصر ممالیک پرداخته است در این پژوهش تعریف مفصلی از زندان و مروری بر سیر تحول زندانها از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آغاز عصر ممالیک نیز بررسی شده است.

### زندان و حبس

زندان در لغت به معنی بندیکخانه، جایی که محکومان و بزهکاران را در آنجا نگه می‌دارند و حبس است (کاوه، ج ۱، ۱۳۹۱: ۲۴) فرهنگ معین کلمه زندان را چنین معنی میکند: "جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه می‌دارند، بندی خانه، قید خانه- محبس" (معین، ۱۳۸۰: ۶۱) حبس در معنای بازداشت هم به کار رفته است که ذیل مفهوم بازداشت بررسی می‌شود. (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۱۸) در زبان پهلوی «زندان»، ارمنی «زندن»، اوستی «زیندون»... محبس، جایی که گناهکاران را در آنجا توقیف کنند.

این واژه در فرهنگ عمید به معنای بندیکخانه، محبس خانه و قیدخانه، جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگهداری می‌کنند و محبس است. (عمید، ۱۳۸۷، ج ۶: ۶۶۶) لذا زندان در لغت، محلی است که متهمان و محکومان در آنجا نگاه داشته می‌شوند هدف از زندانی کردن مقصران و مجرمان در گذشته دور کردن آنها از جامعه بوده است. (ساوجی، ۱۳۸۰: ۶۱)

طبق تعریف سازمان زندان‌ها، زندان محلی است برای مجرمین و به منظور مجازات یا اصلاح آنها است که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معین و یا به طور دائم

به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند. (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

در فقه و حقوق هم حبس مجازاتی است که به منظور بازداشتن مجرم یا متهم از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او می‌باشد. مفهوم حبس اعم از زندان است و با شیوه‌هایی مانند نگهداشتن فرد در منزل یا همراه بودن مداوم نگهبان مدعی با وی نیز تحقق می‌یابد. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۴۹۸)

### زندان در زبان عربی

در زبان عربی، واژه‌های زیاد و گوناگونی به معنی و مفهوم (زندان) دلالت دارد مثل: "حبس، سجن، وقف، ایقاف، حصر، اثبات، اقرار، امساک و... لکن مشهورترین آنها، همان دو واژه، سجن و حبس می‌باشند. (منتظری، ۱۳۸۸: ۲۶) لذا به بررسی آن دو می‌پردازیم:

راغب در فرهنگ لغت قرآن خود به نام: مفردات القرآن می‌گوید: "گالسجن: در زندان نگه داشتن" (راغب، ۱۳۹۶: ۴۵۶) و این کلمه در سوره یوسف آیات ۳۲-۳۴-۳۵-۳۶ به همین معنی به کار رفته است. (سوره یوسف) و در مورد لغت (حبس) راغب چنین می‌گوید: "الحبس: مانع شدن از آمد و شد و این واژه در قرآن در همین معنی به کار رفته است. (راغب، ۱۳۹۶: ۴۵۶) در آیه شماره ۱۰۶ سوره توبه چنین می‌فرماید: "لحبسونها من بعد الصلوة... (یعنی بعد از نماز از رفت و آمد آن دو نفر، مانع شوید تا سوگند یاد کنند که... (سوره توبه) (منتظری، ۱۳۸۸: ۲۶)" و نیز حبس به معنای محلی که آب را در خود نگه می‌دارد (یعنی آب انبار) گفته شده است. (دلفروز، ۱۳۹۶: ۳۰۴) در فرهنگ لغت صحاح اللغه در مورد معنای کلمه (حبس) چنین آمده است: "سجن با کسره یعنی: زندان و سجن با فتحه یعنی: مصدر و به معنای زندانی کردن می‌باشد." (جوهری، ۱۳۹۶: ۳۰۴).

در لغت نامه قاموس آمده است که: "سجن با کسره یعنی، محبس و زندان. صاحب و مسوول آن را نیز سجان - زندان بان گویند." (دلفروز، ۱۳۹۶: ۱۷۳) چنانکه سجن (بر وزن جنین) فرد زندانی را گویند. (جوهری، ۱۳۹۶: ۳۰۴).

از مجموع آنچه گفته شد، چنین به دست می‌آید که مفاد و مفهوم دو واژه: "حبس و سجن"، عبارت است از، محدود ساختن کسی و منع او از آمد و شد آزادانه و تصرفات آزادانه. (دلفروز، ۱۳۹۶: ۱۷۳) منتظری در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی چنین می‌گوید: "زندان از نظر شرع، محبوس کردن در یک مکان تنگ نمی‌باشد بلکه عبارت است از اینکه، شخصی بازداشت شود و از تصرفات دلخواه و آزادانه، ممنوع گردد. خواه این بازداشت در خانه باشد یا در مسجد و چه از این طریق که فرد مورد نظر را، زیر سرپرستی اجباری خود، درآورد و یا اینکه وکیل یا ماموری را بر او بقگمارند که در همه جا با او باشد و از او جدا نشود سبب است که در روایتی از رسول خدا (ص) زندانی را، اسیر نامیده است. (منتظری، ۱۳۸۸: ۴۳) بنابراین باید توجه داشت که در فرهنگ قرآن و شرع مقدسی و سنت نبوی (ص) حبس و زندان به

معنای جای دادن مجرم و یا متهم در یک مکان تنگ و تاریک (سلول) نیست بلکه فقط به معنای بازداشت می‌باشد. یعنی از آمد و شد و تصرفات آزادانه او جلوگیری کردن نه بیشتر. " (دلفروز، ۱۳۹۶: ۱۷۳)

### سیر تحول زندان در جهان باستان

#### زندان در غرب

هیچ کس نمی‌تواند تاریخ دقیقی برای تأسیس نخستین زندان در تاریخ بشریت ذکر کند، زیرا این مسئله تقریباً به قدیمی‌ترین ایامی که زندگی اجتماعی بشر شروع شد باز می‌گردد، و از آن روز که حکومتی به وجود آمد ظاهراً زندانی وجود داشته است، بلکه غیر از حکام، افراد دیگری مانند: مالکان جبار و ارباب های ستمگر برای تنبیه رعایای خود زندان‌هایی داشتند، و حتی گاهی آنها را در جایگاه حیوانات زندانی می‌کردند (پیام قرآن، ۱۳۷، ج ۱۰: ۵۵) اما اولین زندان به روش انفرادی در رم بنا شد (موریس، ۱۳۹۰: ۵۰)

شهر مستقل رم از پیوند چند روستا در مرکز ایتالیا به وجود آمد، روی هفت تپه موسوم به تپه های پالاتین، که رود معروف تیبر از میانشان می‌گذشت. (شمس ۱۳۸۷: ۷) در افسانه‌ها آمده است که شهر رم در سال ۷۵۳ ق.م بنا گذاشته شد، از آن تاریخ تا ۵۰۹ به دست شاهان اداره می‌شد در صدر حکومت دو نفر امین بودند که کنسول می‌گفتند (موریس، ۱۳۹۰: ۵۰) کنسول‌ها خود دارای چندین قاضی فرعی دادگاه بودند که به آنها پراتور گفته می‌شد و اقدام‌های حقوقی اصلی را انجام می‌دادند (همان: ۵۱)

در سال ۴۵۱ م، الواح دوازده‌گانه، نخستین حقوق مدون روم به شمار می‌آمدند، به چاپ رسید. (همان) این قوانین عمدتاً به اختلاف میان افراد جامعه مربوط می‌شد و در محدود موارد نیز به رابطه میان اشخاص و دولت اشاره داشت رشوه دهنده و رشوه گیرنده را تحت تعقیب قرار می‌داد و کسانی را که به دشمنان رم کمک می‌کردند، و خیانت می‌ورزیدند، مجازات می‌کرد، این مجازات‌ها اغلب به طور محرمانه در برابر نمایندگان برگزیده حکومت انجام می‌شد (موریس و روتمن، ۱۳۹۸: ۵۳) در الواح دوازده گانه ذکر شده بود سلولوس<sup>۱</sup> شیوه ای بود برای مجازات افرادی که خویشاوندان نزدیک خود را به قتل می‌رساندند (موریس، ۱۳۹۰: ۹۶) در جای دیگر، لاتومیا بخشی از یک زندان بزرگ بود که در دامنه جنوبی تپه کاپیتولین قرار داشت، در جوار این محدوده بزرگ اتاقی زیر زمینی ساخته بودند، نام این محل را تولیانوم گذاشته بودند، (موریس و روتمن، ۱۳۹۸: ۵۴) جرم‌هایی نظیر صدمات بدنی، دزدی، توهین، سرقت یا اتلاف محصولات کشاورزی، نقض عهد و سوگند دروغ، همه جرایمی بود که جنبه شخصی داشت، "گناه" فردی محسوب و مجازات خاطی در حضور مقامات مسئول و نمایندگان شهر به اجرا در می‌آمد. مجازات برخی گناهان پرداخت غرامت بود، ولی عقوبت مرگ نیز به کرات انجام می‌شد (موریس، ۱۳۹۰: ۹۵)

<sup>۱</sup> Culleus

با گذشت زمان اهمیت جرایم نیز قوت و وسعت یافت. بسیاری از جرایم فردی تغییر شکل داد، و به جرایم اجتماعی بدل شد و این اندیشه تقویت شد که هر کس کوچکترین خطایی بکند باید بازداشت، محاکمه و مجازات شود. (موریس و روتمن، ۱۳۹۸: ۵۳)

در سال ۳۶۷ میلادی نظامنامه و مجمع القوانين ژوستینیان به تعدادی از جرایم که مجازات زندان داشت اشاره می‌کرد، این نوع حبس‌ها گرچه از دوران کلاسیک به یادگار مانده بود اما هیچ یک صراحت و اعتبار لازم رانداشت، دیری نپایید برای نمونه در مجمع القوانين فرمانی از آنتونیوس<sup>۱</sup> امپراتور سده دوم وجود داشت که طی آن نظر خود را در باب حبس ابد آشکار کرده بود: "این رای شما که یک انسان آزاد را برای تمام عمر محکوم به حبس باغل و زنجیر کرده اید غیر قابل باور است. چنین مجازاتی به شکل هراس‌انگیزی تحمیلی است، حتی برای پست‌ترین بردگان" (شمس ۱۳۸۷: ۱۵)

بعدها یکی از قضات به نام کالیستراتوس در رساله‌ای اشاره کرد آدریان (۱۳۷-۷۶)، امپراتور سده دوم که قبل از آنتونیوس زمام امور را به دست داشت طی فرمانی خطاب به فرمانداران ولایات اکیدا قداغن کرده بود که حق ندارند مجرمی را به حبس ابد محکوم کنند.

در مورد قوانین جنایی، مجمع القوانين ژوستینیان مورد توجه امپراتوران بعدی قرار گرفت و در جهت کاهش خشونت و سختی قوانین سده سوم، با توجه به میراث امپراتوران سلیم النفس، یعنی آدریان و آنتونیوس، و همچنین قضات کلاسیک اقداماتی به انجام رساندند. قوانین امپراتوران مسیحی نیز که پس از کنستانتین آمدند در تعدیل و تخفیف منظر هراس‌انگیز دادرسی‌های جنایی مفید افتاد. (موریس و روتمن، ۱۳۹۸: ۵۶)

### زندان در شرق باستان

نخستین پیشینه زندان‌ها در شرق به تاریخ مصر و دوران پادشاهی میانه در سالهای ۱۷۸۶ تا ۲۰۵۰ پیش از میلاد برمی‌گردد. فرعونیان سلسله پادشاهی میانه، حفاظت از نظم عمومی را یک وظیفه مقدس می‌پنداشتند هر گونه گزند وارد ساختن به مصریان، نظم مقدس را -که فرعونیان ملزم به بنیان نهادن آن از رهگذر نظام قضایی، آیین دادرسی حقوقی و مجازات بودند- با مشکل مواجه می‌کرد. بر اساس مفهوم مات، عدالت یا نظم به توازن عالم بستگی داشت، فرعونیان و خادمان آنها نه مستبد بودند و نه ظالم و در دوران پادشاهی میانه به تنبیه در انظار عمومی و حبس به جای مجازات‌های مرگ آور متوسل می‌شدند. (موریس و روتمن، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۷)

<sup>۱</sup> Antonius .. امپراتور روم. از فلاسفه مهم به شمار می‌رفت

یکی از مهمترین و مفیدترین متون در مورد زندان مصر باستان که در "کتاب تورات، باب پیدایش"<sup>۳</sup> آمده است، سرگذشت حبس یوسف را در زندان سلطنتی پوتیفار<sup>۴</sup> شرح می دهد. زندان های فرعونیان در "سفر پیدایش" شبیه انبار غله بود که زندانیان خارجی در آنها اسکان داده شده و در ایام حبس به کارهای اجباری می پرداختند. این گونه حبس ها می توانست طولانی مدت باشد (همان: ۳۷)

در مناطق دیگر مجموعه تمدن هایی در میان رودخانه های دجله و فرات برخاستند و قانون نامه هایی به وجود آوردند که از بهترین آنها می توان به قانون نامه هامورابی اشاره کرد. (بادامچی، ۱۳۸۶: ۴۵) این قانون در دوره پادشاهی حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ ق.م.) در بابل تدوین شد و مشتمل بر ۲۸۲ ماده بود. در مجموعه قوانین بابلی مجازات هایی پیش بینی شده بود که بیشتر شامل جریمه مالی، مصادره اموال و قطع عضو بود. قوانین اولیه توجه چندانی به زندان نداشتند اما به تدریج در الواح سفالی و گلی مواردی چون عدم ادای دین، سرقت، رشوه خواری و دروغ گویی مستوجب مجازات زندان شناخته شد. امپراتوری آشور (۷۴۶-۵۳۹ ق.م.) دزدها، رشوه خواران، رانده شدگان دستگاه سلطنت، مالیات بگیران خاطی، خیانت کاران و اسیران خارجی را به زندان می انداخت و غالباً در گروه های پرشمار روانه کار اجباری می کرد. (موریس و روتمن، ۱۳۹۰: ۴۲).

در دوره ساسانی در ایران نیز زندان به اشکال گوناگون وجود داشت و برای زندانیان سیاسی و عادی محل های متفاوتی در نظر گرفته می شد. (خواججه نظام الملک طوسی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۸). علاوه بر قلعه ها، زیر زمین های قصرها، چاه ها و ... نیز به منزله زندان مورد استفاده قرار می گرفت. در چاه های متروک یا چاه هایی که حفر می کردند زندانی را با غل و زنجیر به قعر آن می افکندند و روزانه غذای مختصری به او می دادند. زندانی در ته چاه دچار انواع بیماری می شد و به علت مدفوعات انسانی کرم های ریز گوشت بدن او را می خوردند. فقدان نور کافی و رطوبت درون چاه موجب نابینایی و نیز روماتیسم مفاصل می شد. (خلیلی، ۱۳۵۹: ۲۵۴-۲۵۵). اما زندان اصلی و عمده برای زندانیان سیاسی قلعه ها بودند. قلعه کاربرد های فراوان داشت. چنان که در اساطیر ایران مندرج است جمشید در اصطخر سه قلعه ساخت. قلعه اصطخر محل نگهداری خزانه جمشید بود و قلعه شکسته محل فراش خانه و قلعه شکنوان نیز زرادخانه دولت محسوب می شد (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۳۲). علاوه بر این، قلعه در دوره ساسانی کاربری زندان نیز داشت و قلعه ای به نام فراموشی یادگاری از دوره ساسانی است. زندان یا قلعه فراموشی مشهورترین زندان در تاریخ ایران باستان است که جز در یک مورد خاص فقط در دوره حاکمیت دینی امپراتوری ساسانی از آن استفاده می شد و پیش از دوره ساسانی هرگز از وجود یک زندان بزرگ مخوف برای سیاسی ها رد و اثری نمانده است (هومن، ۱۳۸۸: ۶۵).

### سیر تحول زندان در صدر اسلام

<sup>۳</sup>. Genesis

<sup>۴</sup>. Potiphar

اقوال تاریخ نگاران در مورد زندان، در عصر جاهلیت، بسیار مضطرب و مختلف است تقریباً مسلم و محرز است، اعراب در روزگار جاهلیت، نظم سیاسی کاملی نداشتند و اگر کسی مورد تعدی قرار می گرفت، حق داشت شخصاً انتقام خود را بگیرد. در آن زمان، افراد قبیله به موجب رسوم جاری و عرف عمل می کردند و مؤسسات موجود در دوره ی جاهلیت قبیله ای عرب هنوز بعد اجتماعی وسیعی پیدا نکرده بود (علی، ۱۳۸۰: ۵۸۶).

دادرسی و مجازات در عصر جاهلیت به دلیل شرایط زندگی اعراب بادیه نشین تحت قوانینی همچون جار و ثار قرار داشت. وجود پیمان هایی که بین قبایل عرب با یکدیگر و بین بادیه نشینان با حکومت‌های همجوار وجود داشته نیز مویید این مطلب است که اعراب در قبل از اسلام یک چهارچوب مشخصی برای خود فرض کرده بودند و در سایه آن، اختلافات و نزاع های خود را رفع می کردند. (فلاحی فرد و بهرامیان، ۱۳۹۳: ۴۷) طبق قانون اخذ بالثار؛ اگر شخصی، فردی از قبیله دیگر را به قتل می رساند، قبیله مقتول کشتن و قصاص قاتل را میخواستند. اصل در قتلها، کشتن قاتل توسط خانواده مقتول بود.

معمولاً تا قاتل یا فردی از قبیله او را نمی کشتند، آرام نمی شدند؛ چون معتقد بودند خون جز با خون شسته نمی شود. این قانون تحت تأثیر یکی دیگر از ویژگیهای عرب جاهلی، یعنی عصیبت اهمیت خاصی پیدا کرده و در صدمات جزئی هم رعایت می شد و در جنایات، قاعده "العین با لعین والسن السن" (چشم در مقابل چشم و دندان در مقابل دندان)، یعنی همان قانون قصاص را اجرا می کردند. البته گاهی از این قانون صرف نظر کرده، عوض (دیه) آن را طلب می کردند. از این رو، گاهی دیه افراد مقتول هم دریافت می شد و از کشتن قاتل صرف نظر می کردند. البته از آنجا که این کار، نشانه ضعف قبیله فرد مقتول بود، کمتر اتفاق می افتاد (مطهری، ۱۳۹۷: ۹۶)

نکته مهم آنکه در صورت کشته شدن فردی از یک قبیله توسط فردی از قبیله دیگر، تمام قبیله قاتل، به ویژه رئیس آن قبیله، در مقابل قبیله مقتول مسئول و پاسخگو بودند. اگر کسی فردی از قبیله خود را به قتل میرساند، از قبیله طرد می شد. بنابراین، اگرچه قانون مکتوبی در حجاز نبود، اما قوانین نانوشته ای وجود داشت که تخطی از آنها مشکل می نمود (همان: ۹۷)

به هنگام خصومات و دعاوی ریش سفیدان و عقلای قوم به این امر می پرداختند هر قبیله ای یک یا چند داور سرشناس از جمله حاجب بن ذراره، اقرع بن حابس و ربیع بن مخاشن در تمیم، غیلان بن مسلمه از ثقیف، هاشم بن عبدمناف، عبدالمطلب بن هاشم، ابوطالب بن عبدالمطلب و عاصی بن وائل از قریش ربیع بن خدار در بنی اسد، و سلمی بن نوفل از کنانه داشت و برخی دیگر چون عامر بن طرب و اکثم صیفی تا آن حد مشهور بودند که در تمام قبایل حق داوری داشتند. عربها نزد کاهنان و عرفان نیز داوری میبردند.



عامر بن طرب از جمله حکمایی بود که شم قضایی و فهم و درک حقوقی هیچ یک از اعراب به پایه فهم و شعور قضایی وی نمی رسید. (زیدان، ۱۳۷۳: ۷۳)

اما باید دانست قضاوتی که در میان اعراب دوران جاهلیت جریان داشت، جزء شئون هیچیک از حکومت‌های معروف نبود، زیرا آنها نه پادشاهی داشتند و نه حکومت جمهوری اشرافی یا جمهوری دموکراسی و نه زور مستبدی بر آنها مسلط بود که تشکیل حکومت استبدادی دهد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۸۳)

در سال ۴۰۰ میلادی، قسی بن کلاب، نخستین اقدامات مدنی را در شبه جزیره عربستان شکل داد (طبری، ۱۳۵۲: ۵۰۶-۵۰۷). و مشاغل سقایت، حجابت، سدان و لواء را تأسیس کرد و «دارالندوه» را بنا نهاد که مانند دیوان مرکزی، محل طرح بسیاری از دعاوی بود و وجود آن محور نوعی نظم در مکه گردید (یعقوبی، ۱۳۵۸: ۲۴۰).

با توجه به آنچه درباره وضعیت سیاسی و نبود حکومت مرکزی باید گفت در آن دوره چیزی به نام سازمان زندان وجود نداشت چون در جامعه ای که فاقد حکومت مرکزی قوی و نیرومند باشد نمی توان انتظار قانون مدون و مکتوب و نهادی بنام زندان را داشت. (مطهری، ۱۳۹۷: ۸۷)

با ظهور اسلام در سرزمین عربستان، قانون آسمانی مبنای تشکیل حکومت در جزیره عربستان قرار گرفت تا به وسیله آن امور فردی و اجتماعی بشر انتظام پذیرد. (معینی نیا، ۱۳۷۹: ۸) قواعد و مقررات دین جدید به تدریج به رسمیت شناخته شد و تغییراتی در نگرش به انسان و مجازات افراد صورت پذیرفت. (برزگر، ۱۳۸۸: ۸۳)

### زندان در اسلام

از اخبار اغلب مورخان و بزرگان لغت و فقه می توان گفت، کار زندانی کردن در مسجد یا دهلیز مسجد انجام می گرفت. (وائلی، ۱۳۶۲: ۵۵) ضیف در کتاب بلاغه العرب فی الاندلس آورده است: "در عصر پیامبر در مسجد و خانه و خیمه ها زندان وجود داشت" (ضیف، ۱۹۲۴، ج ۲: ۴۳)

بخاری روایت کرده است: "تمامه ابن اثال سیدی از سادات و زعیم از زعمای بنی حنیفه بوده و از شخصیت قوی و منزلت والای خویش بهره می جست علاوه بر آن ابهت، مقام، ثروت و دلیری او باعث گردید که قومش او را بقتل رسول خدا صلی الله علیه وسلم ترغیب و تشویق نمایند، لذا به مدینه آمد و منتظر فرصت مناسب بود تا رسول خدا را تنها بیاید و به قتل برساند تا حقد و کینه اش را فروکش نموده و قوم خویش را که در مقابل این قضیه برایش پول زیادی میدادند خرسند نماید." (بخاری، ۱۹۹۸، ج ۱: ۴۲۶)

هنگامی که بعضی از مسلمانان وی را دیدند که در جاده های مدینه می گردد نسبت به او دچار شک و تردید شده و او را گرفتار نموده و به یکی از ستون های مسجد بستند، وقتی که رسول معظم اسلام ثمامه را بسته دید امر کرد که رهایش کنید، و قیدها باز شده ثمامه آزاد گردید و خارج از مدینه رفته غسل نموده و بدنش را پاک کرد، سپس به طرف پیامبر گرامی برگشت تا به دین اسلام مشرف شود (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۸)

ابن سعد نقل می کند: "چون یهودیان بنی قریظه در جنگ احزاب به پیامبر خیانت کردند، پس از هزیمت مشرکان مکه، پیامبر قلعه آنان را در محاصره گرفت. در این غزوه (غزوه بنی قریظه)، ابولبابه فرمانده جنگ بود. یهودیان کسی را نزد پیامبر(ص) فرستادند و تقاضا کردند وی را که از هم پیمانان آنان نیز بود، پیش ایشان بفرستد. (ابن سعد، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۵۶)

ابولبابه به قلعه رفت، اهالی قلعه از وی پرسیدند که آیا تسلیم پیامبر (ص) بشوند؟ وی گفت. بلی. اما با اشاره دست به گلوی خویش، فهماند که اگر تسلیم شوند، کشته می گردند. او با این اشاره، آنان را از تسلیم به پیامبر(ص) بازداشت. اما اندکی بعد چندان از کار خود پشیمان شد که به مسجد رفت و خود را به ستونی از ستون های مسجد پیامبر(ص) بست و سوگند خورد که تا حق تعالی توبه وی قبول نکند، خود را از ستون باز ننگشاید. (ابن اثیر، ۱۳۸۰، ج ۵: ۲۸۴)

ام سلمه، همسر رسول خدا، نقل کرده روزی پیامبر را خندان دیده و چون علت آن را پرسید آن حضرت از پذیرش توبه ابولبابه خبر داد. ام سلمه این خبر را با اجازه پیامبر(ص) به ابولبابه داد. مردم آمدند تا وی را از ستون باز کنند. اما او خواست خود پیامبر این کار را بکند، پس آن حضرت او را از ستون باز کرد. (ابن معین، ۱۳۹۹، ج ۲: ۷۲۳)

رضوان شافعی در کتاب الجنایات المتحدیه بین القانون و الشریعه، نقل می کند: "پیغمبر متهمی را تا روشن شدن وضعش زندانی کرد که این حبس احتیاطی است." (شافعی، ۱۳۴۹: ۶۸)

قاضی ابویوسف در کتاب خراج گوید: "هنگامی که کافر حربی در محاصره مسلمانان قرار گرفت و پذیرفت که با حکم مرد تعیین شده با او رفتار شود، حکم آن شخص در مورد او نافذ خواهد بود، به شرطی که حکم کند که جنگجویان را بکشند و خانواده آن ها را اسیر نمایند، همان طور که سعد معاذ ر مورد بنی قریظه این گونه حکم کرد و حضرت رسول اکرم (ص) کسانی را که در خانه زنی از طایفه بنی

النجار که ابنه الحارث نامیده می شد به جنگ پرداخته بودند حبس فرمود تا گردن همه آن ها زده شد. (قاضی ابویوسف، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۸۸)

جاجی خلیفه نیز در کشف الظنون، روایت کرده است که سوده دختر زمعه در مدینه در خانه پیغمبر بود. مشاهده کرد که ابو زید سهیل بن عمرو که یکی از اسیران بد بود دستهایش با طنابی به گردنش بسته شده است. نتوانست خویشتن داری کند و به سوی او متوجه شد و گفت: خودتان را تسلیم کردید و با دست خودتان خود را به دشمن دادید، در صورتی که اگر این کار را نمی کردید با عزت می مریدید. (جاجی خلیفه، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۰۰۷)

سپس پیامبر اسیران را در میان اصحابش تقسیم کر و ضمن دادن دستور حبس آن ها، فرمودسفارش کنید درباره این ها نیکی نمایند. بیهقی از ابن عباس نقل کرده است که هنگامی که روز به شبانگاه رسید و اسیران، دست و پا بسته در حبس بودند، پیغمبر طول شب را بیداری کشید و به خواب نرفت. گفتند یا رسول الله چه عاملی باعث شده است که به خواب نمی روی؟ فرمود: ناله عمومی عباس را در بند زندانش که در دست یکی از انصار اسیر بود شنیدم و آرامش را از دست دادم. در اینموقع اصحاب به خاطر آسایش پیغمبر بند دست و پای عباس را باز کردند و ناله او ساکت شد و پیغمبر توانست به خواب برود. (وائلی، ۱۳۶۲: ۶۶)

سیخ حسین محمد علی که مفتی مالکی ها است، در کتاب تهذیب الفراق که در حاشیه الفروق چاپ شده است گوید: "از قراری که عبدالرزاق در تألیفات خودشان نقل کرده اند، که حضرت رسول اکرم (ص) افراد را در اتهام خون حبس می فرمود، و در اتهام دیگری، مقداری از روز را حبس کرد و سپس آزاد گذاشت، و نیز از ایوب بن سلیمان نقل شده است که آن حضرت در مورد مردی که شریک او به اندازه سهم خود غلام مشترکشان را آزاد کرده بود، دستور زندان داد تا از این طریق او را به آزاد کردن سهم خودش وادار سازد و بدین وسیله آزادی غلام تکمیل گردد." (محمد علی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۳۶)

در زمان خلیفه ابوبکر - رضی الله عنه - نیز زندان شبیه زمان رسول الله بود و ابوبکر زندان آماده ای برای زندانی کردن مخالفان نگرفت ( یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۸) .

مقریزی در الخطط آورده است: "زندان در روزگار پیامبر و خلیفه ابوبکر به معنی جلو گرفتن و بازداشتن کسی بود که هر کاری می خواست انجام دهد و یا با دیگران به رفت و آمد پردازد پس خواهان او وی را در خانه ای یا مسجد نگاه می داشت و همراهش بود. (مقریزی، ۱۳۲۳، ج ۳: ۳۰۳)

ابن ماجه از هرماس بن حبيب و او از پدرش روايت کرده است که می گفت: "کسی را به من بدهکار بود پيش پیامبر بردم آن گاه پیامبر به من گفت: همراه او باش (ملازمه)" (ابن ماجه، ۱۹۹۴: ۷۱)

حسینعلی منتظری که یکی از فقهاء امامیه معاصر می باشد چنین می گوید: "زندان در زمان خود پیامبر اسلام رایج و معمول بوده است. و لکن مفهوم زندان، مرادف و ملازم با این نبوده است که جایگاه ویژه ای با خصوصیات معینی بوده باشد بلکه زندانی کردن افراد، گاهی در خانه و گاهی در مسجد و گاهی نیز در دهلیز و پیش ورد خانه ها و یا در مکانهای دیگر صورت می گرفته است و منظور این بوده است آزادی های فرد بزهکار محدود شده و از آمد و شدی آزادانه او جلوگیری شود." (منتظری، ۱۳۸۸: ۵۳)

لذا می توان گفت زندان به این صورت که متهم یا مجرم را در یک مکان تنگ حبس می کردند، در زمان پیامبر (ص) و همچنین دوران خلافت ابوبکر وجود نداشت. بلکه در آن دوران، زندان عبارت بود از «بازداشت شخص و جلوگیری او از تصرفات آزاد» اما اسیران جنگی که در نبردهای صدر اسلام به دست مسلمانان می افتادند، در حظیره ای که در کنار مسجد ساخته شده بود، نگهداری می شدند (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۲۶) و در موارد خاصی آنها را به ستون های مسجد می بستند. (مروتی، ۱۳۸۶، ۱۷۴) که پیرزنان از آنان نگهداری می کردند. (سمنانی ج ۱، بی تا: ۳۶۱)

به نظر می رسد کارکرد نخستین زندان در زمان پیامبر کیفر نبود بلکه بازداری بود. چون سخنی به پیامبر (ص) پیوند یافته است که می توان از آن اشاره به بازداشت تنبیه ی را دریافت. در این گفته، پیامبر (ص) دستور بازداشت کسانی از حجاز را که داد که کار زارشان به یک قتل انجامیده بود. روشن نیست که آیا آنان به کیفر های دیگری محکوم می شدند یا نه. (اشندر، ۱۳۸۱: ۳۸)

در دوران خلیفه عمر بن الخطاب، وی در آغاز برای اجرای حکم زندان مکانی به عنوان زندان نداشت (الکتانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۴۸) اما وقتی که دولت گسترش یافت و نیاز به یک ساختمان مستقل احساس شد. (بلبول، ۲۰۰۹: ۶) عمر از صفوان بن امیه خانه ای در مکه به چهار هزار درهم خرید که از آن به عنوان زندان استفاده کند (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۸)

. البته اخبار در مورد زندان در این عصر دو متناقض است. برخی معتقدند اولین کسی که در اسلام زندان ساخته است، عمر (خلیفه دوم) بوده است (دلفروز، ۱۳۹۶: ۱۱۱). وی خانه ای را از صفوان به چهارده هزار درهم خرید و به زندان اختصاص داد. (بلبول، ۲۰۰۹: ۶) که بعدا به نام زندان عارم نامیده شد (وائلی، ۱۳۶۲، ۱۳۱) این زندان به طور قطع محل آن در مکه بوده، ولی از نظر تاریخ در کدام قسمت از مکه قرار داشته، شناسایی نشده است. (وائلی، ۱۳۶۲: ۶۶)

ولی گروهی دیگر با این نظریه مخالفند و می گویند مسلمانان در صدر اسلام برای زندانی کردن و بند کشیدن، محلی را اختصاص نداده بودند و چون در آن زمان، وضع اجتماعی گسترده ای نداشته اند، لذا

اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگهداری می کردند و یا آنان را در میان مسلمین تقسیم می کردند. ( دلفروز، ۱۳۹۶: ۱۱۱). عقیده این گروه بر این است که احداث زندان در کوفه بوده (کتانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۹۷). همین روایت درباره علی (ع) در بصره، هم آمده است (وائلی، ۱۳۱، ۱۳۶۲)

ابن همام حنفی می گوید: "در آن دوران، مکانی به نام زندان به مفهوم رایج امروز وجود نداشت، بلکه متخلفین، متهمین و اسیران را در مسجد و دهلیز حبس می کردند، تا این که عمر خانه ای در مکه به چهار هزار درهم خرید و آن را به زندان اختصاص داد. البته گفته شده است که در دوران عمر و عثمان نیز زندان به معنای اصطلاحی اش وجود نداشته است و در زمان خلافت امام علی (ع) بود که نخستین زندان ساخته شد." (ابن همام حنفی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۴۷۱)

زمخشری در این باره گفته است: "علی (ع) نخست زندان از نی ساخت و آن را (مانع) یا (نافع) نامید پس دزدان آن را سوراخ کردند: "بعد از آن زندان دیگر از گل ساخت و آن را (مخیس) نامید." (زمخشری، ۱۴۱۱: ۴۰۵)

پس بنابراین و طبق نظر بعضی های دیگر زندان نافع و بعد از آن زندان (محبس) از نخستین زندان های اصلاحی بودند که در اسلام به وجود آمدند و اینکه گفته شده است عمر بن خطاب خانه ای را در مکه خرید و به زندان اختصاص داد، مورد تایید بسیاری از مورخان نمی باشد. پس اکثر مورخان چنین نتیجه گیری می کنند که: آغاز تاریخی زندان در اسلام، میان عمر بن خطاب که بعضی از مورخان آن را پذیرفته اند و عهد علی بن ابیطالب که بسیاری از تاریخ نگاران بر آنند، مردد می باشد. (عمادی و دیندارلو، ۱۳۹۷: ۷۷)

جلال الدین سیوطی در کتاب الوسایل الی مسامره الاوائل تصریح می کند که نخستین کسی که در اسلام زندان ساخت علی بن ابی طالب (ع) بود، چون خلفای پیشین خلافاکاران را در چاه ها زندانی می کردند، و روایت شده است که یک عرب بیابانی که دزدی کرده بود از زندان آن حضرت فرار کرد و شعر زیر را انشاء نمود:

ولو انی بقیة به الیهم

ابواسحق شیرازی در کتاب المهدب که در فقه شافعی نوشته شده است در تعیین وظایف قاضی گوید: "مستحب است که قاضیان را زندانی باشد، زیرا عمر خانه ای را در مکه به چهار هزار درهم خرید و زندانش قرار داد، و هم چنین علی (ع) را نیز زندانی بوده است و عمر شاعری به نام حطیئه را زندانی کرد و او اینگونه سرود:

ماذا تقول لا فراخ بذي مرخ

القيت كاسبهم في قعر مظلمه

و نیز عمر شاعر دیگری را حبس نمود و او گفت:

یا عمر الفاروق طال حبسی

فی حدث لم تقترفه نفسی

همچنین به این منظور که قاضی باید خلافکاران را تأیید کند و حق را از کسانی که در پرداخت آن نکول می‌ورزند پس بگیرد، احتیاج مبرم به وجود زندان دارد. (وائلی، ۱۳۶۲: ۶۶) و اما خلیفه عثمان بن عفان از زندانی که عمر خریده بود استفاده کرد. (طبری، ۱۳۵۲: ۵۰۶-۵۰۷). چنانکه او نیز در قلعه ای در خیبر به نام قموص زندان داشت. (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۸)

عبد الرحمن بن حنبل جمعی در شمار کسانی است که توسط عثمان به این زندان تبعید شده اند (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۹۵) یعقوبی مینویسد: "عبد الرحمن یار پیامبر خدا (ص) به قموص از توابع خیبر تبعید شد. علت این که (عثمان) او را تبعید کرد این بود که اطلاع یافت کارهای ناپسند پسر و دائیش را تقبیح نموده و خودش را هجو کرده است." (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۴۰).

علائی از قول مصعب، و ابو عمر در کتاب "استیعاب" آورده اند که وقتی عثمان پانصد هزار درهم را که خمس آفریقای اسلامی بود به مروان بخشید عبد الرحمن (بن حنبل جمعی) چنین سرود: سوگند به خدای یگانه، سوگندی بجد و تاکید که خدا هیچ کاری را بیهوده و بی ثمر نگذاشته است، بلکه (حتی) تو را مایه آزمایش ما ساخته است تا ما را بوسیله تو بیازماید یا ترا از آزمایش درآورد تو آن تبعید شده ی پیامبر (ص) را بخواندی و مقرب خویش گردانیدی و این بر خلاف رویه و قرار مصطفی (ص) است. خویشاوندان را به حکومت بر خداپرستان گماشتی و این بر خلاف رویه گذشتگان (ابوبکر و عمر) است. و یک پنجم غنیمت را به مروان بخشیدی و بدینسان او را بر دیگران فضیلت نهادی و مراتع اطراف مدینه را قرق کردی و درآمدی را که (ابو موسی) اشعری از اموال عمومی آورده بود به نزدیکانت دادی. آن دو امین (ابوبکر و عمر) برآستی راه روشن (طرز حکومت اسلامی) را که مایه هدایت به رضای ایزد است باز نمودند و بر اثر آن حتی یک درهم بناروا و بغصب از کسی نستاندند و نه یکدرهم بهوای دل (و نه بر وفق قانون اسلام) به کسی دادند. (به نقل از امینی، ۱۳۸۳: ۹۲)

پس دستور داد تا او را در خیبر زندانی کردند (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۴۰). مرزبانی در معجم الشعراء از قول او در زندان چنین سروده است: از زنجیرهای گران و تنگی که در خیبر بر اندامم هست به خدا شکایت می‌برم و نه بر مردم - البته باستثنای ابو الحسن (علی بن ابیطالب ع) در خیبر و در اعماق "غموص" که پنداری ژرف ترین گودهاست.

و مل منی اخوت

والامر اضوی مر

آیا اگر سخن حقی بزبان آورده یا برعایت حقی خوانده باشم باید کشته شوم؟ در آنصورت و هر گاه هر حق خوانی بمیرد چه کسی برای حق برجا میماند؟ (مرزبانی، ۱۳۷۹: ۸۸)

و در جای دیگر چنین می نویسد: "به علی و عمار- که در سر منزل دینشناسی اند وهمه باید بدانجا بشتابند بگو: هیچ نادانی را اگرچه سخت بیمار اعتقادی و روحی باشد بی آموزش وامگذارید و چندان بیاموزیدش تا به افتخار دین شناسی نائل آید. جز شمشیر چیزی برایم نمانده است. و آن راسترو نیکوکار اگر در انجمن آن جماعت (عثمان و مخالفان علی ع) در دلائل و بهانه های محکومیتم بیداد نمایند میدانند که من بیگناه و مظلومم. (همان: ۸۹-۹۰)

علی (ع) همچنان با عثمان در مورد آزادی عبد الرحمن صحبت میکرد تا بالاخره با این شرط موافقت کرد که در مدینه زندگی بکند. پس او را به خیبر تبعید کرد و در قلعه ای بنام "قموص" می زیست تا آنکه مسلمانان بر عثمان شوریده و از هر سوی کشور بطرفش سرازیر شدند. در اینوقت عبد الرحمن چنین سرود: اگر علی نمیبود، علی که خدا مرا بدستش از بند و زنجیر رهانید هرگز بهنگامی که غل و زنجیر بر اندامم فشار میاورد از کسی خواستار کمک برای رهائیم نمیشدم. جانم فدای علی باد که مرا از چنگ کافری که خدا را ندیده گرفته بود رهانید. (امینی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۹۲)

در زمان علی بن ابیطالب (علیه السلام) شکل زندان توسعه یافت. (بلبول، ۲۰۰۹: ۱۰) از این رو زندانی از نی ساخت که آن را نافع نامید، اما وقتی جنگ زندان شد، زندان دیگری از گل و سنگ ساخت که آن را مخیص نامید. (بلبول، ۲۰۰۹: ۱۰)

منظور امام از احداث این دو زندان، کیفر دادن افراد به منظور اصلاح و تربیت آنان بود و نامگذاری این زندان ها به «منافع» که ضد ضرر است (حموی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۲۵۳) و «مخیص» که به معنی نرم و خوار کردن و تمرین دادن می باشد. (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۳۹)

علاوه بر ساخت زندان، علی (ع) اولین نفری بود که برای زندان هزینه ها را اختصاص داد و برای اسرا از بیت المال مسلمین حقوق گرفت (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۹)

در حکومت علی (ع) زندانیان برنامه های خاصی داشتند، به طوری که عادت های شرعی و برنامه های تہذیبی، آموزش قرآن و فراگیری سواد خواندن و نوشتن در این زندان ها کاملاً رعایت می شد و جزء برنامه های اجباری آنان بود. امام (ع) به زندانیان اجازه حضور در نماز جمعه را می داد و سپس آن ها مجدداً به زندان باز می گشتند. حضرت روح انصاف را در تأمین و معاش و اداره شئون زندگی آن ها لحاظ کرده و زندانیان را مشمول رعایت و رأفت خود قرار می داد. (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۵) لذا حضرت علی (ع)، نخستین کسی است که مسئله حمایت از زندانیان را پی ریزی و اجرا کرد. (معینی نیا، ۱۳۹۷:

ایشان برای زندانیان غذا و لباس زمستانی و تابستانی می برد و به آن ها اجازه هواخوری می دهد و به وضع بهداشت زندان ها توجه نموده و در تأمین غذا و خوراک آنان اهتمام ورزید؛ (کتانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۰۰)

صاحب کتاب: احکام السجون به نقل از دکتر عطیه مصطفی مشرفه می گوید: نخستین کسی که از خلفا راشدین در مورد خوراک و پوشاک تابستانی و زمستانی زندانیان مقرراتی وضع کرد و اهتمام به خرج داد، امام علی (ع) بوده است. (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۶)

تأمین هزینه زندان ها از جمله مسائلی بود که بعضی معتقد بودند که بدون تفاوت گذاشتن میان زندانیان باید از طریق بیت المال هزینه و تأمین گردد (ماوردی، ۱۳۹۰: ۳۰۰)، اما روش امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه چنین بوده که اگر فردی از یک قبیله یا قومی زندانی می شد و مالی داشت، هزینه زندانی از مال خودش تأمین می گشت و اگر مالی نداشت، هزینه او را بیت المال تأمین می کرد. (وائلی، ۱۳۶۲: ۴۲۲)

از جمله مصادیق حبس در حکومت علی (ع)، بدهی بوده که از پرداخت بدهی خود امتناع می کرد و بضاعت مالی او نیز مجهول بود. امام دستور زندانی کردن او را صادر کرد و پس از معلوم شدن در ماندگی او، آزادش کرد تا بتواند برای پرداخت بدهی خود، مالی به دست آورد (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۱۸۰). همچنین حکم زندانی کردن پسر بچه ای را دارد تا به مرحله رشد عقلی برسد، سپس مجازات شود. همچنین فرمود، زن بارداری را که اقرار به زنا کرده، حبس نمایند و پس از حمل، او را سنگسار کنند (همان: ۳۸۰).

در روایتی از امام باقر (ع) می خوانیم: «حضرت علی (ع) جز سه گروه، کسی را زندانی نمی کرد: شخص غاصب، کسی که مال یتیم را گرفته و شخصی که در امانت خیانت کرده بود». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۹۹)

حضرت علی (ع) چند گروه را واجب الحبس می دانست، از جمله، دانشمندان بی بند و بار، پزشکان نادان و بی اطلاع و کلاهبردارانی که مال مردم را گرفته و آن را باز نمی گردانند (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۲: ۲۲۱). لذا برای قطع رابطه این افراد با اجتماع مسلمین، زندانی کردن آن ها را از سوی زمامدار جامعه واجب می دانست. امیر مؤمنان (ع) در دوران حکومتش، به برقراری نظم و آرامش و اقامه حدود و اجرای عدالت توجهی خاص داشت و هیچ گونه محافظه کاری و سهل انگاری و پشت هم اندازیه در اجرای حدود را روا نمی داشت و می فرمود: «به تأخیر انداختن اجرای حد، حتی به اندازه یک ساعت نیز جایز نیست». (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۴۲)

همچنین علی (ع) کسانی را که در انجام وظایف دینی سستی و اهمال به خرج می دادند، حزیر می نمود. با این حال آنان را مشمول رأفت خود قرار می داد و در پرتو این اقدامات بود که فقها تجویز کرده اند که زندانی را به خاطر تشیع جنازه نزدیکانش از زندان بیرون آورند و یا در نماز عیدین (اعیاد فطر و قربان) و نماز جمعه حاضر نمایند. و چنانچه زندانی بیمار شد و پرستاری در زندان برای او پیدا نشد و مرخصی



خطرناک باشد، او را در خانه اش معالجه نمایند." (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۶) و چنانچه زندانی صاحب مال و ثروت بود احتیاجات او را از مال خودش تامین می کرد و در غیر این صورت از بیت المال برای او خرج می نمود تا شر او را از سر مردم کم و کوتاه کند. (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۴۲)

صاحب کتاب احکام السجون به نقل از کتاب دیگری چنین ادامه می دهد: "در حدیث دیدم علی مرتب از زندانها بازدید می کرد و از احوال زندانیان، جستجو می نمود و این سیره و روش علی (ع) در مورد زندانیان پایه ای شد که ائمه (ع) و فقها طبق آن پایه گذاری کردند." (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۷۶)

### زندان در دوره اموی

در دوره اموی زندانها گسترش یافتند، و کم کم زندانهای متعدد به اسم شهری که در آن واقع شده بود بنا گردید. گاهی در یک شهر زندانهای متعددی وجود داشت و شک نیست که وجود زندان یک نیاز اجتماعی بود و لازم بود که در هر شهری زندانی در اختیار حکومت باشد اغلب زندانهای دوره اموی در مرکز خلافت اسلامی یعنی حجاز عراق و شام احداث گردیدند. از جمله زندانهای که معاویه اولین خلیفه اموی ساخت عبارتند از:

۱- زندان باب الصغیر که در جانب قبله ی دمشق واقع شده بود. تاریخنگاران محل این زندان را مشخص کرده اند ولی کسی از آنها اسامی بعضی از زندانیان آنجا را ذکر نکرده اند نام بعضی از زندانیانی که در زندان دمشق بودند:

عبدالله بن هاشم المرقال بن ابی وقاص زهری که از پیشوایان و خطیبان عراق بوده است.

صعصعه بن صوحان عبدی - عبدالله بن الکوا یشکری - خالد بن مهاجر المخزومی. بیشتر آنان را معاویه به خاطر دوستی با اهل بیت به زندان افکنده بود.

۲- زندان خضراء که در دمشق واقع بود. خضراء کاخی بود که معاویه آن را ساخت و پول کلانی را صرف ساختمانش کرد و جای آن در قسمت جنوبی مسجد جامع اموی بوده است.

زندان دیگری را به شهر مدینه نسبت داده اند و اسم مخصوصی برای آن ذکر نکرده اند و نیز مکان آن را در مدینه، مشخص نکرده اند. در این زندان مردی به نام هدبه بن خشرم عذری به مدت هفت سال به دستور معاویه و محبوس بود. (وائلی، ۱۳۶۲: ۴۲۲)

زندان مکه نیز از دیگر زندانهای بود که عمر العرجی، نه سال در آنجا زندانی بوده است. زندان عقیق که در یمامه قرار داشت و شاعر مشهوری به نام ابن الطریه در آنجا زندانی شده بود.

زندان تباله در سرزمین تهامه به فاصله ی دور از مکه و طائف قرار داشته و مصعب بن محمد سلولی در آنجا زندانی شده بود. (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۴۲)

همچنین در دوره معاویه، زندانها با توجه به توسعه اداری دوران امویان از نظر نظارتی توسعه یافتند. (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۱۰) همچنین معاویه نخستین کسی بود که برای زندانها شیوه و روشی ثابت پایه گذاری کرد در روزگار معاویه زندانها به چهره کامل خود درآمد و مجهز به نگهبان (زندانبان) شد (ساکت، ۱۳۶۱، ۳۷۹). در زندانها معاویه کتک زدن زندانیان کار رایجی بود کمبود غذا و آب و سایر امکانات مورد نیاز، تفکیک میان زندانیان وجود نداشت (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۴۲) بخاری روایت می کند که در جنگ جبل الاثل، حکم بن عمر الغفاری، غنایم زیادی به دست آورد. از طرف معاویه دستوری به او رسید مبنی بر اینکه هر چه طلا در میان غنایم هست جدا کرده و به معاویه اختصاص دهد. او بعد دریافت دستور معاویه گفت: دستور خدا قبل از دستور معاویه به من رسیده است و غنایم را بین مردم تقسیم کرد، به این جهت معاویه او را به زندان افکند تا جان سپرد. (بخاری، ۱۹۹۸، ج ۱: ۴۲۶)

ابن الحکم مردی را به زندان انداخت و دستور داد که او را به زنجیر آهنین ببندند و سپس او را مجبور کرد که زن خود را طلاق دهد و سپس زن او ازدواج کرد. (معینی نیا، ۱۳۹۷: ۴۲)

در تاریخ ابن اثیر زیر حوادث سال ۵۱ نقل شده که زیاد بن عبید از عدی بن حاتم طائی خواست که یکی از افراد عشیره اش به نام قیس بن عباد را که سربازان از جای او اطلاعی نداشتند، معرفی کند، او امتناع ورزید و زیاد به این جهت او را زندانی کرد. این نمونه ها بیانگر انگیزه هایی است که در دوران امویان مردم به خاطر آنها به زندان می افتادند. (ابن اثیر، ۱۳۸۰، ج ۵: ۲۸۴)

معاویه در زندان شام، امته دختر شریک زن عمرو بن خزاعی را با شوهرش زندانی کرد و بعد از مدتی عمرو را کشت و سر بریده ی او را به اغوش زنش انداخت. در زندانهای کارگزاران معاویه کسانی زندانی می شدند که علاوه بر اینکه به زنجیرهای آهنی بسته می شدند، با وسایل گوناگون آزار و شکنجه، ناگزیر می شدند که به طلاق دادن زنانشان رضایت بدهند.

در زندانهای معاویه به زندانیان دوایی خورانده می شد که آنان را به مرض اسهال مبتلا می کرد تا حدی که آنها لباسهایشان را الوده می کردند و پس از آزار زیاد آنها را سوار بر فیل میکردند و در خیابانهای بصره می گرداندند. (وائلی، ۱۳۶۲: ۴۲۹)

### زندان در دوران مروانیان (امویان دوم)

در دوران مروانیان (امویان دوم) ساخت زندان ها توسعه یافت به تدریج زندان به عنوان ابزار قدرت در اختیار خلفای اموی قرار گرفت و زندان توأم با شکنجه جایگاه وسیع و مهمی نزد خلفای اموی پیدا نمود. به فاصله کوتاهی پس از استقرار مذهب اسلام، خلفای اموی، برای از بین بردن مخالفان خود اصول حقوق جزای اسلامی را نادیده گرفته و به قتل و ضرب و حبس مخالفین پرداختند. از جمله قتل ائمه

اطهار(علیهم السلام) از طرف خلفا لکه ننگی است بر دامن تاریخ که هرگز زدوده نخواهد شد(محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

در شهر های مهم آن زمان همچون مکه، مدینه، کوفه، شام، بصره و.... زندانهای مخوفی وجود داشته است. مخوف ترین زندانهای دوران بنی امیه را به دوره عبدالملک بن مروان، و به زندان حجاج بن یوسف ثقفی ذکر نموده اند(وائلی، ۱۳۶۲: ۳۹۲) به نقل از مروج الذهب مسعودی آورده است: "حجاج مرد در حالی که در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن وجود داشت و حجاج همه آنها را در یک زندان حبس کرده بود". در این زندانها هیچ تفکیکی وجود نداشت و زندانیان در زیر گرمای شدید هوا، تحت آزار و شکنجه قرار می گرفتند. (عمادی و دیندارلو، ۱۳۹۷: ۷۷)

زندان واسط یا زندان دیماس که موقعیت آن در شهر معروف واسط که حجاج انرا ساخته بود، قرار داشت. تعداد زیادی در آن زندان اسیر بودند که تعداد آنها به یکصد و هشتاد هزار نفر می رسید.

عده ای از تاریخنگاران درباره ی این زندان واسط، دیماس آورده اند که انجا مانند بیابان محوطه ی بزرگی بود که سقفی بر آن وجود نداشت و بارزترین شخصیت‌های که از افراد تابعین در این زندان اسیر بودند، در ادامه خواهد آمد. سعید بن جبیر و کمیل بن زیاد نخعی و غضبان بن شیبانی و ابن القریه که عموماً از بزرگان و ادیبان به شمار می آیند و جحدر عکلی نیز در آن زندان محبوس بوده است. (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

دیماس فاقد سقف بود و از این رو زندانیان از گرمای سوزان تابستان و سرمای طاقت فرسای زمستان در امان نبودند. مطابق روایت مسعودی، به هنگام مرگ حجاج پنجاه هزار مرد و سی هزار زن در محبس های او به سر می بردند (مسعودی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۹۷). نگهبانان آنان را با سنگ هدف قرار می دادند و خوراک زندانیان، نان جوین بود که با نمک و خاکستر مخلوط می شد و هیچ مردی مدت کوتاهی در انجا نمی ماند، مگر اینکه رنگ رخسارش تغییر می کرد و مانند یک فرد زنگی سیاه می شد. (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

احتمال می رود پای برخی از ایرانیان نیز به زندان های حجاج رسیده باشد چرا که او و دولت اموی با شعارهای نژادپرستانه خود منادی برتری عرب و تحقیر ایرانیان بودند و موالی از جمله دشمنان آنان به شمار می رفتند. (دلفروز، ۱۳۹۶: ۳۰۴)

مسعودی درباره ی زندان حجاج آورده است: "حجاج مرد در حالیکه در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن وجود داشت که شانزده هزار از آن زنان در زندان همسر نداشتند و حجاج همه ی آنها را در یک زندان حبس کرده بود." (مسعودی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۹۷)

در زمان حجاج بن یوسف ثقفی در کوفه نیز زندانی ساخته شد که مسعودی تاریخ نگار معروف در کتاب مروج الذهب آن زندان را اینگونه تعریف می کند: "در زندان حجاج مردان و زنان با هم در مکان واحد نگهداری می شدند، محل زندان پوششی نداشت که از گرما و سرما حفظ کند. انواع شکنجه و آزار وجود

داشت، گفته شده است که چندی حجاج سوار بر اسب به نماز جمعه می رفت که ناگهان ناله و فریادی به گوشش رسید، سؤال کرد، پاسخ دارند زندانیان هستند که از شدت ناراحتی به صدا در آمده و ناله سر داده اند. حجاج رو به زندانیان کرد و گفت: اخسو و تکلمون خفه شید و حرف نزنید. عرب کلمه (اخصاء) را در مورد سگ به کار می برد، یعنی...

خوراک زندانیان در زندان حجاج نان جویین بود که با نمک و خاکستر مخلوط می شد و هیچ کس مدت کوتاهی در آنجا نمی ماند مگر اینکه رنگ رخسار تغییر میکرد." (مسعودی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۹۷) نقل شده است پسر بچه ای را در آنجا زندانی کردند بعد از چند روز مادرش برای ملاقات آمد، هنگامی که با فرزندش روبرو شد او را نشناخت و گفت این فرزند من نیست، پسر گفت: نه مادرم، سوگند به خدا که من فرزند تو هستم و اسم پدر و مادرش و نام پدر خودش را گفت مادر وقتی یقین کرد که او فرزند اوست، فریادی کشید. (وائلی، ۱۳۶۲: ۳۹۷) البته باید دوره خلافت عمر بن عبدالعزیز استثنا کرد زیرا او در دوران حکومتش کارهای مثبت فراوانی انجام داده است. و در مورد زندانیان هم سعی داشت اداره زندانها بر اساس احکام شریعت باشد. (دلفروز، ۱۳۹۶: ۳۰۴) در زمان عبد الملک بن مروان در مدینه سعید بن مسیب، فقیه مشهور زندانی شد و بعد از آنکه شصت تازیانه به او زدند، لباسی از پشم بر او پوشاندند و سپس در کوچه های مدینه گرداندند،

در دوره عبدالملک ظاهرا در کوفه به علت گستردگی ادارات ان، بیشتر از یک زندان وجود داشته است. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، زندانها به طور صنفی اداره می شده است. عمر بن عبدالعزیز در این زمان سعی کرد مسائل شرعی در میان زندانیان را رعایت کند عمر بن عبدالعزیز، یزید بن مهلب را در زندان حلب، به حبس انداخت. در دیگر دوران در زندانها به روی افراد گناهکار و بیگناه باز بوده در یک زندان، زن و مرد به طور مختلط زندانی می شدند.

در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز که در تاریخ، اسنادی از او به دست آمده است، درباره ی کیفیت رفتار به زندانیان به کارگزاران خویش صادر کرده است، به علاوه او به مقتضای سیرت نبک که داشته سعی می کرده است که زندانها به قدر مقدور طبق احکام شریعت ترتیب یابد و اداره شود. دیگر خلفای اموی به پیروی از هوی و هوس خویش عمل می کردند. گاهی به گونه ای تصادفی به موازین شریعت تطبیق می کرد و بسا اوقات هم با شریعت مطابقت نداشت. (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

همانگونه که وی در سجیه و سیره با سایر خلفای اموی یکسان نبوده است، زندانهایش نیز به طور کلی با دیگر زندانهای آن دوران تفاوت کامل داشته است. در زندانهای او احکام و قوانینی حکمفرما بود که از شریعت مدد گرفته بود و تمامی زندانها در آن دوران تحت نظام واحدی اداره می شدند. زندانبانانی بر ان زندانها نظارت داشتند که احساس مسئولیت می کردند و مراقبت داشتند که آموزشهایی را که به آنان داده شده بود در زندان اجرا کنند.

زندان زنان از زندان مردان جدا بوده است. صاحبان گناهان گوناگون در یک جا نگهداری نمی شدند. زندان بدهکاران جدا از زندان جنایتکاران بوده است و با زندانیان با داشتن جرمهای مختلف، یکسان رفتار نمی کردند. بعضی به زنجیر بسته می شدند و بعضی از این کیفر معاف بودند. (دلفروز، ۱۳۹۶: ۳۰۴)

. در دوره هشام بن عبدالملک در کوفه زندان دیگری به وسیله ی یوسف بن عمر ثقفی که والی هشام بن عبد الملک بوده است، احداث گردید که به دار بلال معروف است

در بصره نیز مانند کوفه به علت گستردگی و وسعت سازمانهای اداری، بیشتر از یک وجود داشته است. زندانی به نام بیضاء البصره در تاریخ نامبرده شده که گاهی آنجا را به نام مخیس نامیده اند و شخصی به نام خحدر محرز از شاعران دولت اموی زندانی بوده است. (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

هشام همچنین امام محمد باقر و امام جعفر صادق را به زندان انداخت. شیخ کلینی در کتاب اصول کافی آورده است: "در دوره هشام بن عبدالملک، مأمورین وی، امام محمد باقر را با پسرش امام صادق(ع) از مدینه به شام آوردند، و برای اهانت به مقام آن حضرت، سه روز به او اجازه ی ورود به نزد هشام ندادند، و حتی آنها را در اردوگاه غلامان جای دادند .

هشام به درباریان خود گفت: وقتی که محمد بن علی(ع) (امام باقر) وارد مجلس شد، نخست من او را سرزنش می کنم، وقتی که سکوت کردم شما به اتفاق او را سرزنش کنید. به دستور هشام، به امام باقر(ع) اذن ورود دادند، حضرت وارد مجلس شاهانه شد، و با دست به اهل مجلس اشاره کرد و فرمود: أَلَسَّلَامُ عَلَیْكُمْ، سلام عمومی به همه ی حاضران کرد و نشست. هشام دید امام باقر(ع) سالم خصوصی به او نکرد، به علاوه بی اجازه ی او نشست، خشمش بیشتر شد و گفت: ای محمد بن علی! همواره یک نفر از شما میان مسلمانان اختلاف انداخته و مردم را به بیعت خود می خواند و خود را امام می داند... و سرزنش بسیار کرد. وقتی که ساکت شد، اهل مجلس طبق توطئه ی قبل به سرزنش آن حضرت پرداختند پس از آنکه همه ساکت شدند، امام باقر(ع) برپا ایستاد و فرمود: "ای مردم کجا می روید و شما را کجا می برند؟ خداوند اولین افراد شما را بوسیله ی ما راهنمایی کرد و هدایت آخرین افراد شما نیز با ما خواهد بود، اگر شما به پادشاهی چند روزه دل بسته اید، بدانید که حکومت ابدی با ما است، چنانکه خداوند می فرماید: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ: «عاقبت برای پرهیزکاران است» هشام دستور داد آن حضرت را به زندان افکندند. ولی طولی نکشید روش آن حضرت در زندان، عواطف همه ی زندانیان را به سوی او جلب کرد، جریان را به هشام، گزارش دادند، سرانجام هشام دستور داد، آن حضرت را تحت نظر به سوی مدینه باز گردانند" (کلینی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۷۱)

همچنین در دوره هشام بن عبد الملک، فرزدق شاعر به جرم اینکه به قصیده ی میمیه اش، علی بن حسین را مدح نموده بود، در زندان عسغان که در فاصله ی بین مکه و مدینه قرار داشت، حبس شد همچنین ذکر شده است که هشام بن عبد الملک، زندان عمان را در پایتخت اردن امروزی ساخت و ولید

بن یزید، سلیمان بن هشام را در انجا زندانی کرد و نوعاً کسانی را در انجا زندانی می کردند که می خواستند علاوه بر حبس، تبعید هم بشوند. (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۷)

در منابع آمده است که ولید بن یزید در پشت بام کعبه به شرابخواری پرداخت، جماعتی از مسلمانان قصد کردند که او را بعد از بیرون آمدن از خانه ی خدا به قتل برسانند. خالد بن قسری او را از قصد آنان با خبر ساخت. ولید از خالد خواست که اسامی ان جماعت را به او بدهد و او از این کار سرباز زد. ولید فردی را به تعقیب خالد فرستاد و او را به دزدی متهم کرده و به زندان افکند تا اینکه مرگش فرا رسید

در دوره مروان آخرین خلیفه اموی، زندان حران ساخته شد و ابزاهیم امام، برادر سفاح را در انجا زندانی کرد و نیز ابو محمد سفیانی و عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز در ان زندان محبوس شدند (یوسف الرفاعی، ۲۰۰۸: ۱۲)

### نتیجه گیری

اولین زندان به روش انفرادی در رم بنا شد. در الواح دوازده گانه از سلولوس (شیوه مجازات)، لاتومیا (بخشی از یک زندان بزرگ) و تولیانوم نام برده شده است. نخستین نظامنامه و مجمع القوانين درباره زندان به سال ۳۶۷ میلادی و به ژوستینیان می رسد که به تعدادی از جرایم که مجازات زندان داشت اشاره می کند. این قوانین جنایی، بعداً مورد توجه امپراتوران بعدی قرار گرفت.

نخستین پیشینه زندان ها در شرق به تاریخ مصر، و سپس به تمدن هایی در میان رودخانه های دجله و فرات و ایران می رسد. زندان پوتیفار (مکان حبس یوسف پیامبر) در مصر، قانون نامه هامورابی در بین النهرین و وجود تعدادی قلعه برای زندانیان سیاسی نشانی از سرگذشت زندان دارد. قلعه فراموشی ساسانیان مشهورترین زندان در تاریخ جهان باستان است

در شبه جزیره عربستان، در دوره جاهلی اعراب، به علت نداشتن نظم سیاسی طبق رسوم جاری و عرف ثار عمل می کردند و در سایه آن، اختلافات و نزاع های خود را رفع می کردند. با ظهور اسلام تغییراتی در نگرش به انسان و مجازات افراد صورت پذیرفت. نظر اغلب مورخان این است که، در زمان رسول اکرم (ص) و ابوبکر کار زندانی کردن در مسجد یا دهلیز مسجد انجام می گرفت و مکانی خاص برای زندان اختصاص داده نشده بود.

. از زمان خلیفه عمر وقتی که دولت گسترش یافت نیاز به یک ساختمان مستقل برای زندان احساس شد. برخی معتقدند اولین کسی که در اسلام زندان را ساخته است عمر خلیفه دوم است این دسته معتقدند عمر خانه ای صفوان را به زندان اختصاص داد (زندان عارم)، اما دسته دوم معتقدند احداث دو زندان نافع (از نی) و مخیس (سنگ) در کوفه توسط امام علی (ع) بوده است. همچنین علی (ع) اولین نفری بود که برای زندان هزینه ها و برای اسرا از بیت المال مسلمین حقوق اختصاص داد و نخستین کسی بود که مسئله

حمایت از زندانیان را پی ریزی و اجرا کرد حضرت علی (ع) دانشمندان بی بند و بار، پزشکان نادان و بی اطلاع و کلاهبردارانی که مال مردم را گرفته بودند را واجب الحبس می دانست.

در دوره اموی زندان ها گسترش یافتند، و کم کم زندانهای متعدد به اسم شهری که در آن واقع شده بود بنا گردید زندان باب الصغیر (دمشق)، زندان خضراء (دمشق)، در دوره معاویه ساخته شدند. در این دوره زندان نقش مهمی در حفظ قدرت و حکومت خلفای اموی ایفا نمود. معاویه پایه گذار شیوه نوین زندانبانی است. و نخستین کسی بود که برای زندانها شیوه و روشی ثابت پایه گذاری کرد.

در دوره خلفای اموی دوم (مروانیان) زندان توام با شکنجه جایگاه وسیع و مهمی در حکومت پیدا نمودند. خلفای اموی، برای از بین بردن مخالفان خود اصول حقوق جزای اسلامی را ندیده گرفته و به قتل و ضرب و حبس مخالفین پرداختند. از جمله قتل ائمه اطهار علیهم السلام همچنین در شهرهای مهم آن زمان همچون مکه، مدینه، کوفه، شام، بصره، واسط و ... زندانهای مخوفی ساخته شد. مخوفترین زندانها دوران بنی امیه را زندان دیماس حجاج بن یوسف ثقفی خوانده اند. که فاقد سقف بود و از این رو زندانیان از گرمای سوزان تابستان و سرمای طاقت فرسای زمستان در امان نبودند

زندان دار بلال هم در همین دوران در کوفه توسط یوسف بن عمر ثقفی والی هشام بن عبد الملک ساخته شد. هشام، فرزدق شاعر را در زندان عسفان حبس کرد. در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، زندانها به طور صنفی اداره می شده است. عمر بن عبدالعزیز در این زمان سعی کرد مسائل شرعی در میان زندانیان را رعایت کند زندان زنان از زندان مردان جدا کرد. زندانیان به نسبت جرمشان تفکیک شدند هشام بن عبد الملک، زندان عمان را در پایتخت اردن امروزی و مروان، زندان حران را ساختند.

## منابع

### منابع عربی

ابن ماجه، شرح الإمام أبي الحسن الحنفی المعروف بالسندی، بیروت، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۹۴.  
ابن همام حنفی، محمد بن عبدالواحد، شرح فتح القدير للعاجز الفقير، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲.

البخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل، ( ۲۵۶هـ / ۸۶۹م )، صحیح البخاری، ج ۱، ۱۹۹۸.

بلبول، حسام محمد، اسباب السجن ودوافعه في العصر المملوك الطوائف آداب المستنصرية السنه  
۲۰۰۹

ضيف، احمد، بلاغه العرب في الاندليس، قاهره، ۱۹۲۴.

يوسف الرفاعي (۲۰۰۸)، هاله نواف يوسف الرفاعي السجون في مصر في العصر  
المملوكي، قدمت هذه الرسالة استكمالاً لمتطلبات الحصول على درجه الماجستير في لتاريخ،  
الجامعة الأردن، ۲۰۰۸.

### منابع فارسی

ابن بلخی، فارس نامه، به کوشش تصحیح و تحشیه گای لیسترانج و رینولد الن نیکلسون،  
تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.

ابن اثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، جلد ۲ و ۱۰، تهران، انتشارات  
علمی، ۱۳۸۰.

اشندر، ایرنه، مجمد حسین ساکت، زندان در حقوق اسلام پیش از تدوین و تدوین، مجله حقوق  
دادگستری، ش ۳۸، ۱۳۸۰.

ابو یوسف، یعقوب، کتاب الخراج، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تاریخ، ۱۳۶۲.  
امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، توسط انتشارات دار الکتب الاسلامیه،  
۱۳۸۳.

ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابه، دارالفکر، بیروت، ۲۰۰۱.  
انوشه، حسن و خدابنده لو، غلامرضا، فارسی ناشنیده: فرهنگ واژه ها و اصطلاحات فارسی و  
فارسی شده کاربردی در افغانستان. تهران: قطره. ۱۳۹۱.

بادامچی، حسین، سرآغاز قانونگذاری (به کوشش) طرح نو، ۱۳۸۲  
جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳.  
حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، ج ۲، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی،  
۱۳۸۶.

حموی، یاقوت معجم البلدان، جلد ۵، رجمان علینقی منزوی؛ تهران، امیر کبیر: ۱۳۸۰.  
حر عاملی، محمد بن الحسن وسایل الشیعه، ج ۱۸، ۱۳۶۷، حدیث.  
خواجه نظام الملک طوسی، حسن، سیاست نامه، تهران، زوار، ۱۳۵۷.  
دلفروز، سیداحمد، زندان در اسلام و سیر تحول آن، مکتب اسلام. سال ۶۴، شماره ۱، ۱۳۹۶.  
دهخدا، لغت نامه، مؤسسه دهخدا، تهران، ۱۳۷۳.



- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه جهانگیر ولدبیگی، توسط انتشارات آراسته، ۱۳۹۶.
- رضوان شافعی، الجنایات المتحدہ بین القانون و الشریعہ، طبع مصر، ۱۳۴۹،
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرکلام، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۹.
- زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، تفسیر کشاف، ترجمه مسعود انصاری، ج ۴، تهران: ققنوس، ۱۳۸۹.
- ساکت، محمد حسین، نگرشی برونند تاریخی و حقوقی زندان در اسلام، پیش از تدوین و تدوین، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۳۸، ۱۳۶۱.
- سمنانی، روضه القضا و طریق النجاه، ج ۴، نشر ناهی، ۱۳۶۱.
- سیوطی، جلال الدین، الوسائل الی مسامره الاوائل، دار الکتب العلمیة، ۱۳۷۸.
- سعیدی، علی، موارد زندان در اسلام، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰.
- شمس، علی، نظام زندانبانی ایران، تهران، راه تربیت، ۱۳۸۷.
- شیخ کلینی، تلخیص از اصول کافی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت، ۱۳۸۰.
- شیرازی، ابواسحق، المهذب، تهران، دار المعرفه، ۱۳۸۸.
- شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ترجمه حسن موسوی خراسان، ج ۶، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
- طبری، محم بن جریر. تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، منشورات شریف الرضی، قم، ۱۳۸۰.
- عمادی، احمد و علی دیندارلو، عمای، محمدمهدی، بررسی حقوق زندانیان در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهلچ، ۱۳۹۷.
- فلاحی فرد، مهرداد و بهرامیان، مسعود، بررسی سیر تحولات منصب قاضی از عصر جاهلیت تا سال چهلم، خردنامه، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- قندرو بیجارپس، اسماعیل، واکاوی تجدید مجازات سلب حیات در فقه امامیه، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۵۵، ۱۳۸۶.

کاوه، محمد، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر جامعه شناسان، چاپ اول ۱۳۹۱.

کریمی، حسین، فرهنگ دادرسی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان صدر اسلام، ترجمه قراگزلو، ۱۳۸۴.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۸.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج‌الذهب و معادن الجواهر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

معینی نیا، مریم، سیره اداری امام علی (ع) در دوران خلافت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.

مطهری، حمیدرضا، قانون در حجاز عصر جاهلی، دوفصلنامه علمی - ترویجی سخن تاریخ، س ۱۲، ش ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷.

مقریزی، احمد بن علی بن عبدالقادر، اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۱.

منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران، کیهان، ۱۳۸۸.

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد؛ الاحکام السلطانیه و الولایات الدینییه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

مسعودی، علی بن حسین، تاریخ بیهقی (مسعودی) توسط انتشارات فرهنگسرای، ۱۳۸۱.

موریس، نورال و روتمن، دیویدج. سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب، تهران، ناهید، ۱۳۹۰.

مرزبانی، محمد بن عمران معجم الشعراء، عبدالستار احمد فراج، قاهره، ۱۳۷۹.

موریس و نورال و داوید جی روتمن، تاریخچه افسور زندان، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی و دیگران، نشر میزان چ نخست، تهران ۱۳۸۴.

وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمد حسین بکائی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۲.

یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، ۱۳۷۲.